

## انتخاب قانون حاکم بر قرارداد های تجاری بین المللی بدون انتخاب مرجع حل اختلاف در حقوق ایران

کارشناسی ارشد حقوق

رضا قهرمانی

### چکیده

این مقاله به بررسی انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی بدون تعیین مرجع حل اختلاف در حقوق ایران میپردازد. با گسترش روابط تجاری و پیچیدگیهای مرتبط به آن، حل و فصل منصفانه اختلافات به ویژه در معاملات بینالمللی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در این مقاله، نحوه تعیین قانون حاکم در صورت عدم توافق صریح طرفین بر مرجع حل فصل اختلاف و قوانین داخلی ایران و قانون داورى بینالمللی و همچنین رویه‌های داورى و قضایی کشورهای مختلف مانند انگلستان، سوئد و سنگاپور تحلیل میشود. نتایج نشان میدهد که در حقوق ایران، ماده ۹۶۸ قانون مدنی به عنوان قاعده اصلی برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از عقود مطرح است. در بحث داورى بین المللی ماده ۲۷ قانون داورى تجاری بین المللی حاکم میباشد، اما تفسیرهای مختلفی از این مادتين وجود دارد. اینکه آیا ماده مذکور در قانون مدنی تکمیلی است یا امری آیا دارای مفهوم مخالف میباشد و یا اینکه قانون داورى آن را نسخ ضمنی کرده یا نه و یا اصلاً توان نسخ آن را دارد یا خیر؟ و هم چنین بررسی اجمالی نظریه دیسز (تعدد قوانین حاکم) در داورى بین المللی ایران که اصول و قواعد حقوقی را به عنوان قانون حاکم معتبر شمرده قابل قبول میباشد یا خیر؟

تحقیق حاضر به تحلیل مبانی نظری و عملی در تعیین قانون حاکم بر قراردادها در صورت عدم تعیین مرجع حل اختلاف پرداخته که استنباط اولیه از قوانین آن میباشد که این امر در داورى مورد پذیرش و در مراجع قضایی غیر قابل قبول میباشد. و مقصود دیگر نگارنده مقاله حاضر آن میباشد که آیا با ارجح دانستن نظریه فوق میتوان از توافق طرفین بر قانون حاکم توافق ضمنی طرفین بر داورى را استنباط نمود یا خیر؟

برای تعیین قانون حاکم در فرض سکوت طرفین معیارهای مختلفی مانند قانون محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد، قانون مقر داورى و قانون حاکم بر قرارداد اصلی میتوانند در این فرآیند موثر باشند. و در نهایت با ارائه پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت فعلی و توجه به تجربیات کشورهای مختلف، مقاله تلاش میکند تا راهکارهای کاربردی و مفیدی برای حل این چالشها ارائه دهد.

این مقاله نتیجه گیری میکند که با توسعه قوانین داخلی، پیوستن به کنواسیون های مرتبط، ترویج فرهنگ داورى آموزش و تربیت داوران متخصص و استفاده از استانداردهای بینالمللی، میتوان به بهبود وضعیت انتخاب قانون حاکم بر قراردادها در حقوق ایران کمک کرد و نقش موثری در کاهش اختلافات و افزایش اعتماد عمومی به داورى ایفا نمود.

قانون حاکم، موافقتنامه داورى، نظام حقوقی ایران، حل اختلاف، قراردادهای تجاری، قواعد

واژگان کلیدی: داورى بینالمللی، حقوق بینالملل خصوصی

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year 2025 ,Sixth year ,Issue 24

Pages 1-16

## Choosing the law governing international commercial contracts without choosing a dispute resolution authority in Iranian law

Reza Ghahremani      Master of Laws

This article examines the choice of law governing international contracts without specifying a dispute resolution authority in Iranian law. With the expansion of commercial relations and the complexities associated with it, fair dispute resolution, especially in international transactions, has gained special importance. In this article, the method of determining the governing law in the absence of an explicit agreement between the parties on the dispute resolution authority and the domestic laws of Iran and international arbitration law, as well as the arbitration and judicial procedures of various countries such as England, Sweden and Singapore, are analyzed. The results show that in Iranian law, Article 968 of the Civil Code is the main rule for determining the law governing obligations arising from contracts, and in the discussion of international arbitration, Article 27 of the International Commercial Arbitration Law is the dominant one, but there are different interpretations of these articles. Whether the aforementioned article in the Civil Code is supplementary or mandatory, whether it has a contrary meaning, or whether the arbitration law has implicitly repealed it or not, or whether it has the ability to repeal it in principle? And also a brief review of the theory of *depsage* (multiplicity of governing laws) in Iranian international arbitration, which considers legal principles and rules as valid and valid governing law, is it acceptable or not? The present research has analyzed the theoretical and practical foundations in determining the governing law of contracts in the absence of a dispute resolution authority, which is the initial inference from its laws, which is acceptable in arbitration and unacceptable in judicial authorities. Another purpose of the author of the present article is whether, by considering the above theory as preferable, it is possible to infer the implicit agreement of the parties to arbitration from the agreement of the parties on the governing law? To determine the governing law in the event of the parties' silence, various criteria such as the law of the place of conclusion of the contract, the place of performance of the contract, the law of the seat of arbitration, and the law governing the main contract can be effective in this process. And finally, by providing suggestions for improving the current situation and paying attention to the experiences of different countries, the article attempts to provide practical and useful solutions to solve these challenges.

This article concludes that by developing domestic laws, joining relevant conventions, promoting an arbitration culture, educating and training expert arbitrators, and using international standards, we can help improve the situation of choice of law governing contracts in Iranian law and play an effective role in reducing disputes and increasing public confidence in arbitration.

**Keywords:** TRIPS, World Trade Organization, Intellectual Property, Protection, Enforcement

## مقدمه

فوق را ملاک قراردهیم باید قائل این باشیم که در صورت رسیدگی قضایی شرط مزبور باطل و در صورت توافق طرفین بر داوری شرط مزبور موثر میباشد که امری نادر در عالم حقوق میباشد و خود باعث ایجاد مسائلی جدید میگردد که آیا شرط باطل قابلیت موثر شدن دارد؟ یا اینکه از شرط مزبور میتوان توافق ضمنی طرفین بر قبول داوری را استنباط نمود؟

در دنیای پیچیده و پویای تجارت بینالملل، قراردادهای به عنوان ابزاری حیاتی برای تنظیم روابط و تعهدات میان طرفین عمل میکنند. یکی از چالشهای مهم در تنظیم قراردادهای، انتخاب قانون حاکم است؛ به ویژه در مواردی که طرفین قرارداد تصمیمی مبنی بر انتخاب مرجع حل اختلاف نگرفتهاند. این مسئله در حقوق ایران نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا میکند، زیرا عدم تعیین مرجع حل اختلاف میتواند به بروز مشکلات جدی در زمان بروز نزاع و اختلافات قراردادی منجر شود، زیرا استنباط اولیه آن میباشد که قوانین داخلی ایران در رویه قضایی و دادگستری به طرفین دعوا اجازه انتخاب قانون حاکم را نمیدهد و این موضوع در قوانین داخلی امری

میباشد و توافق بر خلاف آن موثر نمیباشد، اما مطابق ماده 27 قانون داوری تجاری بین المللی ایران نه تنها طرفین میتواند قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب کنند بلکه قانون حاکم میتواند قواعد و اصول کلی حقوقی باشد و قانون کشور خاصی نباشد که در این مورد نیز بررسی نظریه دیسز (تعدد قانون حاکم) حائز اهمیت که با طرفین میتوانند بر قرارداد اصلی و بر بخشهای مختلف توافقنامه داوری قوانین متعددی را انتخاب نمایند؟ و آیا این تعدد قوانین به عنوان قواعد و اصول حقوقی قابل شناسایی میباشد؟ که در ادامه به تفصیل توضیح داده میشود.

مهمترین دلیلی که برای اعتبار و صحت این توافق میتوان بیان کرد، اصل آزادی اراده در انعقاد قراردادهاست که به عنوان یک اصل مترقی در حقوق کشورهای مختلف و پیشرفته دنیا شناخته می شود. با وجود این، آنچه که می تواند اراده اشخاص را در این زمینه محدود سازد، قوانین امری، نظم عمومی و اخلاق حسنه است؛ به همین سبب ممکن است ایراد شود که قواعد و مقررات راجع به صالحیت در حقوق داخلی کشورها به خصوص صالحیت ذاتی دادگاه ها از مقررات آمره محسوب شده و تراضی اشخاص برخلاف آن نافذ نیست؛ بنابراین استناد به اصل آزادی اراده در این خصوص نمیتواند دارای وجهت قانونی باشد (غمامی 1399/110)

یکی از دغدغههای اساسی این نظام، رسیدگی عادلانه و منصفانه به اختلافات است. با گسترش ارتباطات و پیچیدگی روابط، اهمیت حل و فصل منصفانه اختلافات، به ویژه در مسائل تجارت بین الملل، بیشتر به چشم میآید. امروزه بسیاری از قوانین ملی و اسناد بین المللی ناظر بر داوری، بر مبنای اصول؛ احترام کامل به اراده طرفین قرارداد، عدل و انصاف، به حل و فصل کدخدا منصفانه اختلافات پرداخته اند. این روش نوعی توافق متقابل برای چشم پوشی از اعمال دقیق قواعد قانونی است و به داوران اجازه میدهد تا با نادیده گرفتن جزئیات حقوقی، تصمیمگیری کنند، البته داوران تنها در صورتی مجاز به این کار هستند که طرفین اختلاف، به صراحت چنین درخواستی داشته باشند. اما آیا کشورها این چنین اصولی را به قوانین داخلی خود راه میدهند یا با تمسک به حفظ نظم عمومی در این موارد اراده طرفین را نادیده گرفته و خود را از تدوین قوانینی که با محترم شمردن اراده طرفین به آن نظم دهند رهایی مینمایند؟

بنابراین، هدف این مقاله انتخاب قانون حاکم بر قرارداد بدون انتخاب مرجع حل اختلاف در حقوق ایران با توجه به قوانین و دکترین حقوقی آن است. این موضوع در قانون داوری تجاری بین المللی به صراحت پیش بینی شده اما آیا قابل تسری به قوانین داخلی میباشد؟ ابتدا با بررسی مفهوم مخالف ماده ۹۶۸ قانونی مدنی این مطلب روشن میگردد. قانون مدنی ایران اراده طرفین قرار داد را بر انتخاب قانون حاکم پذیرفته اما فقط برای متعاملین خارجی، که با توجه به زمان ورود این ماده در قوانین ایران تصویب جلد دوم قانون مدنی (در سال 1313) میتوان استنباط نمود که علت عدم شناسایی این حق برای ایرانیان به واسطه قراردادهای بی رحمانه بیگانگان با ایرانیها، به خصوص در زمینههای نفت و معدن بوده و جنبه حمایتی داشته که با این دیدگاه تسری ماده 27 به قوانین داخلی منطقی به نظر میرسد، اما مطابق قوانین نسخ تنها زمانی معتبر میباشد که به صراحت اعلام گردد و صور دوم که برخی از حقوقدانان آن را نسخ ضمنی میدانند تفسیر دو قانون میباشد که باهم در تعارض بوده و جمع میان آن ممکن نباشد، که در ظاهر تعارض غیر قابل جمعی میان ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده 27 قانون داوری تجاری بین المللی وجود نداشته، اما مسله زمانی بروز پیدا میکند که طرفین قرارداد بدون انتخاب مرجع حل و فصل قانون حاکم بر قرارداد را مورد توافق قرار دهند که در اینصورت اگر ظاهر برداشت

،زیادی شود .اعتبار موافقتنامه داورى، داوریبذیرى اختلافات قلمرو شرط داورى و سایر مسائل مرتبط بهطور مستقیم تحت تأثیر قانون حاکم بر موافقتنامه داورى هستند

ماده ۹۶۸ قانون مدنى که تا مدت ها به عنوان تنها قاعده حل تعارض حتى در داورى نیز بکار برده میشد به اعتقاد برخى از قانون فرانسه اقتباس گردیده و مشابه همین ماده در قوانین داخلی بلژیک، انگستان، فرانسه، سوئیس و اتریش و برخى از کشورهای امریکای جنوبى و اروپای شرقى نیز آمده است اما مسائل مهمى که در این میان پیش آمده آن میباشد که هر چند در ظاهر ماده ۹۶۸ قانون مدنى مشابه

قوانین کشورهای مذکور میباشد ولی در عمل تأثیرى متفاوت داشته زیر در کشور های مذکور انتخاب قانون حاکم به طرفین واگذار شده بدون استثنائاً اتباع خود بود ولی در قانونى مدنى و به واسطه مدنظر قرارداد فاکتور زمانى که قراردادهای سنگین خارجى مبنى بر استخراج نفت و سایر معادن منعقد میگردد و طرفهای ایرانی معمولاً از قدرت قراردادنویسى کمتری برخوردار بودن قانون گذار استثناء نموده اتباع ایرانی را از انتخاب قانون حاکم که در عمل باعث تفاوت فاحشى میان تأثیر ماده قانونى مزبور بر قانون کشورهای فوق الذکر و قانون ایران گردیده که البته بررسى مذاکرات مجلس شورای ملی در سال حاکی از آن میباشد که در شور اول مجلس عبارت "اتباع 1313 خارجه" در متن ماده موجود نبوده و در شور دوم به آن اضافه گردیده که تا سالیان به عنوان قاعده اصلی حل تعارض در آرای مختلف قابل مشاهده بوده که همین بررسى نشان دهند آن میباشد که این ماده جنبه حمایتى داشته که به نوعى سبب ایجاد این تفسیر میگردد که آن را اختیاری بپنداریم، که به سبب همین امر دکترین حقوق خصوصى بین المللى قائل به تفسیر اختیاری بودن ماده جهت رفع آثار نامطلوب آن و ایجاد محدودیتی که در عمل برای ایرانیان نموده تمسک یافته هر چند قابل درک بوده اما متأسفانه اجتهاد در مقابل نص محسوب میگردد و تاب مقابله با آن را نداشته، زیرا مطبق اصول حقوقى بین المللى نیز اصولاً قواعد مربوط به حل تعارض با اصل حاکمیت کشورها مرتبط بوده و جزو قوانین امرى کشورها محسوب میگردد، و اگر بخواهیم قانون مدنى را عام سبق بدانیم که توسط قانون خاص جدید نسخ ضمنى گردیده در این مورد هم نسخ فقط در محدوده خاص جدید مطرح میباشد که در این مورد مرجع داورى میباشد نه دادگستری، علاوه بر این بررسى مذاکرات زمان تصویب آن نشان دهند قصد خاص نمایندگان بر محدودیت ایرانیان دارد پس

قانون مدنى به عنوان قاعدهای در حقوق ایران برای حل تعارض در قراردادها تصریح میکند:

ماده ۶۹۸ تعهدات ناشى از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين، اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگرى قرار داده باشند «این ماده، باعث شکلگیری بحثها و پژوهشهای فراوانى بین حقوقدانان شده و تا کنون، با گذشت چند دهه از تصویب آن، همچنان اختلافات در خصوص امرى یا تکمیلی بودن مفاد آن وجود دارد و رسیدن به تفسیر واحد و مورد اتفاق در این زمینه، دشوار به نظر میرسد عدهای از نویسندگان برجسته و استادان حقوق مدنى، با استناد به دلایلى، حکم ماده ۶۹۸ ق.م. را امرى دانسته و معتقدند که ،انتخاب قانون حاکم برای ایرانیان مجاز نیست .در مقابل بسیاری از استادان حقوق بینالملل خصوصى و حقوق تجارت بینالملل ایران بار د این دیدگاه و ارائه دلایل مختلف، این ماده را به عنوان حکمى تخیبرى تفسیر کردهاند که به طرفین اجازه میدهد قانون قابل اعمال را انتخاب کنند

با وجود آنکه کلیه قوانین مدرن داورى و قواعد سازمانهای داورى بینالمللى به اصل آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم تأکید دارند، اما در بسیاری از موارد توافق صریحى از سوى طرفین در خصوص قانون حاکم بر موافقتنامه داورى و یا به طور کلی داور ناظر بر قرارداد وجود ندارد .بنابراین، این سوال به وجود میآید که قانون حاکم بر موافقتنامه داورى در صورت عدم درج در قرارداد به چه صورت در نظر گرفته و مورد داورى قرار می گیرد

در این مقاله، به بررسى جامع انتخاب قانون حاکم بر قراردادهایی که در آنها مرجع حل اختلاف تعیین نشده است پرداخته میشود .با تحلیل مبانی حقوقى و بررسى تطبیقى با سایر نظامهای حقوقى، تلاش میشود تا راهکارهای مناسب برای حل این چالشها ارائه گردد .همچنین، مطالعه دقیق قوانین داخلی و بینالمللى در این زمینه میتواند به شناخت بهتر این موضوع و پیشنهادات سازنده منجر شود

با توجه به اهمیت حل و فصل اختلافات از طریق داورى در زمینهای مختلف، پاسخ به این پرسش که قانون حاکم بر عدم توافق در ارتباط با شرط مربوط به داورى در زمان عقد قرارداد بر چه اساسى تعیین میشود، حائز اهمیت است .زیرا عدم توجه به قانون حاکم بر شرط داورى میتواند منجر به بروز اختلافات

مذکور در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا میپردازیم که در ادامه به تفصیل توضیح داده میشود.

فارغ از این موضوع که انتخاب قوانین متعدد بر بخش های مختلف قراردادی بیشتر به نفع طرفین قرارداد میباشد یا موجب تشتت قرارداد و ضرر طرفین میگردد، مسائل حائزه اهمیت توجه به خواست و توافق طرفین میباشد که در بحث بین الملل به ویژه تجارت مورد توجه ویژه و از اصول شناخته شده در قراردادهای تجاری و قواعد حقوق بین الملل میباشد که خود باعث نزدیکی نتیجه اختلاف به خواست و اداره طرفین میگردد و همین امر موجب افزایش معاملات تجاری و انعقاد قراردادهای بیشتر و متعاقباً توسعه تجارت میگردد که هدف نهایی میباشد.

و همچنین مطابق این نظریه تحقق عدالت کامل زمانی رغم میخورد که برای رسیدگی به هر بخش از قرارداد نزدیکترین و مرتبط ترین قانون با آن موضوع حاکم گردد. البته ناگفته نماند که این تئوری زمانی عملکرد بهتری خواهد داشت که بتوان موضوع حقوقی را به چند قسمت مجزا از هم تقسیم کرد که رابطه قوی و ناگسستگی بین آن ها برقرار نباشد. 1036 (199 O'Hara, & Allen)

و به معایب آن هم میتوان به پیچیده و دشوار شدن رسیدگی و همچنین طولانی و پرهزینه شدن آن اشاره نمود. اصول حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی

از اساسی ترین اصول قراردادهای تجاری بین المللی میتوان به اصل حاکمیت اراده طرفین و آزادی قراردادهای تجاری، اصل آزادی ادله، اصل آزادی طرفین در انتخاب شیوه حل و فصل اختلافات و اصل الزام آور بودن توافقات و تعهدات اشاره کرد (اعلانی فرد، 1394، ص 60). اما آیا برای اصل آزادی اراده طرفین حد و مرزی تعیین نگردیده؟ و به صرف اینکه مخالف قواعد آمره یا نظم عمومی نباشد طرفین از آزادی کامل برخوردار میباشند؟

جواب سوالهای فوق را با بررسی انتخاب قانون نامتعارف بر قرارداد میتوان کشف کرد.

انواع انتخاب های قانون نامتعارف؛ انتخاب قانون به صورت نامتعارف به این مفهوم است که توافق طرفین در انتخاب قانون حاکم به گونهای صورت گرفته باشد که به جای انتخاب صریح

نمیتوان آن را اختیاری تلقی نمود هر چند که نتیجه و آثار نامطلوبی را به همراه داشته، که میتوان نتیجه گیری کرد که جهت رفع آثار نامطلوب ماده مزبور تلاش ها باید در جهت اصلاح آن باشد تا بطور کامل مثره ثمر واقع گردد و همچنین وضع قوانین جدید مطابق اصول و قواعد بین الملل مثل قانون دآوری تجاری بین المللی ایران که اقتباس شده از قانون دآوری آنسیترال میباشد و سازگاری کامل با اصول بین الملل داشته و آثار نامطلوب قاعده منع انتخاب قانون حاکم توسط ایرانیان را در بحث دآوری را به خوبی رفع نموده و مضاف بر این پیوستن به کنواسیون های بین المللی مرتبط با انتخاب قانون حاکم بر قرارداد مثل کنواسیون حقوق خصوصی لاهه مربوط به انتخاب قانون حاکم که به دلیل ارجحیت آن در در مقابل قوانین عادی به موجب ماده 9 قانون مدنی، قوانین کشورهای عضو در حد مفاد کنواسیون یکسان سازی میگردد که این نیز یکی از روش های سازگاری با حقوق بین الملل میباشد.

اما در قانون دآوری تجاری بین المللی ایران و ماده 27 آن که میتوان آن را متن ترجمه شده ماده 28 قانون

نمونه دآوری آنسیترال بدانیم به طرفین آزادی کامل در جهت انتخاب قانون و حتی قواعد و اصول حقوقی جهت حاکم بودن را اعطاء نموده که البته لازم به اشاره میباشد این حق برای طرفین در نظر گرفته شده و اگر توافقی بر قانون حاکم نباشد مطابق بند 2 ماده مزبور داور باید بر اساس "قانونی" به ماهیت اختلاف رسیدگی کند که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد. که در ضمن این بند دو محدودیت برای داور لحاظ گردیده یک اینکه باید "قانون" برای حاکم بودن بر قرارداد انتخاب نماید و اجازه رسیدگی بر مبنای قواعد و اصول حقوقی راساً به داور اعطاء نگردیده، و دوم اینکه داور در انتخاب قانون حاکم از آزادی عمل برخوردار نمیشود و باید بر مبنای قواعد حل تعارض قانون مناسب را انتخاب کند.

حال با مدنظر قراردادن این آزادی عملی که قانون دآوری تجاری بین المللی به طرفین اعطاء نموده نظریه دپساز را مورد بررسی قرار میدهیم که میتوانیم ترجمه (Deagepec) آن را نظریه تقطیع بنامیم که بر اساس این نظریه میتوان یک موضوع حقوقی را به بخش های مختلفی تقسیم کنیم و هر بخش آن را تحت قانون خاصی قرار دهیم که این نظریه بیشتر در کشور آمریکا مورد توجه قرار گرفته به دلیل وجود سیستم فدرالیسم ولی ما در این بخش از مقاله به بررسی تطبیقی نظریه

عدم وجود چنین توافقی که موضوع این مقاله است، آیا مرجع صلاحیت ورود به اختلاف موجود را دارد و یا خیر. بدیهی است که این اعتبار طبق قانون حاکم بر شرط داوری تعیین میشود. اگر این قانون توسط طرفین توافق نشده باشد، مرجع صالح باید با در نظر گرفتن مفاد قرارداد و شرایط پرونده، قانون مناسب را تعیین کند.

همانطور که خواهیم دید، مراجع داوری و قضایی معیارهای مختلفی مانند قانون محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد قانون مقر داوری، قانون حاکم بر قرارداد اصلی و قانونی که بیشترین ارتباط را با موافقتنامه داوری دارد، به عنوان قانون حاکم بر شرط داوری در نظر میگیرند. آگاهی بیشتر از نظرات دیوانهای داوری و روند قانونی این نوع پروندهها برای اتخاذ تصمیماتی که به قصد واقعی طرفین نزدیکتر باشد، ضروری است. طرح مسأله

یکی از مسائل کلیدی در زمان اجرای قراردادها، وجود ابهام سکوت یا تعارض در مفاد قرارداد است که منجر به بروز اختلاف نظر بین طرفین قرارداد و در نتیجه، نیاز به تفسیر قرارداد میشود.

قرارداد داوری، که به عنوان «موافقتنامه داوری شناخته میشود، چه به» (Arbitration Agreement) صورت «قرارداد جداگانه داوری» و چه به عنوان «شرط در متن قرارداد باشد، ممکن» (Arbitration Clause) داوری است نیاز به تفسیر داشته باشد و مرجع رسیدگیکننده ناگزیر به تفسیر مفاد شرط داوری «شود. شرط داوری معمولاً به طور» مختصر و کلی نوشته میشود، بنابراین در زمان اجرای این شرط، به دلیل عدم بیان جزئیات و برداشتهای مختلفی که طرفین از واژهها دارند، ممکن است ابهامات و اختلافنظری بین آنها ایجاد شود. اگر داور در راستای اجرای شرط داوری، با نیاز به «تفسیر این شرط مواجه شود، ناگزیر از» تفسیر شرط داوری خواهد بود. تشخیص روش تفسیر شرط داوری و انتخاب ابزار تفسیر، مستلزم تحلیل ماهیت و نوع داوری و میزان نقش و تأثیر اراده طرفین در تشکیل و تکوین آن است.

داوری در یک تقسیمبندی کلی به دو دسته تقسیم میشود: داوری و داوری اجباری (Voluntary Arbitration) اختیاری یکی از نتایج مهم این (Compulsory Arbitration). (Arbitration) تقسیمبندی، تأثیر و نقش اراده و قصد مشترک طرفین در پذیرش

قانون یک کشور، مشخصه هایی وضع نمایند که امکان انتخاب قانون کشور های مختلف وجود داشته باشد. برای نمونه، انتخاب قانون به صورت معلق، شناور یا علی البدل، همگی مصادیق انتخاب های نامتعارف است. در صورتی که مفاد توافق به گونهای باشد که امکان انتخاب قانون از میان چند کشور معین وجود داشته باشد، چنین انتخابی شناور است. برای نمونه طرفین توافق نموده باشند که قانون کشور ایران یا آلمان یا فرانسه، حاکم بر قرارداد خواهد بود. انتخاب قانون معلق نیز به این مفهوم است که طرفین، قانون حاکم بر قرارداد را معلق بر تحقق امری احتمالی در آینده نمایند. برای نمونه، توافق کرده باشند که قانون محل طرح دعوا یا محل اقامت خوانده، حاکم بر قرارداد باشد. شکل دیگر انتخاب نامتعارف چنین است که طرفین ابتدا قانون کشور خاصی را انتخاب و توافق نمایند که در

صورت سکوت یا اجمال قانون منتخب، قانون کشور دیگری بر قرارداد حاکم خواهد بود. برای نمونه، قانون کشور ایران به عنوان قانون حاکم بر قرارداد انتخاب و توافق شود در صورتی که این قانون کامل نباشد، قانون کشور فرانسه، حاکم بر قرارداد است. چنین انتخابی، قانون علی البدل نام دارد که قوانین منتخب در طول همدیگر قرار دارند؛ برعکس انتخاب قانون شناور که قوانین در عرض همدیگر قرار دارند. (رضا مقصودی، 1402: 100)

و با در نظر گرفتن توضیحات فوق الذکر در خصوص قوانین ایران انتخاب قانون حاکم به شیوه های فوق برای مراجع دادگستری و غیر داوری که سالبه به موضوع انتفاء میباشد به دلیل امری بودن عدم حق انتخاب قانون حاکم، اما برای مبحث داوری که قواعد و اصول حقوقی نیز به عنوان قانون حاکم مورد پذیرش قرار گرفته دور از ذهن نمیباشد که طرفین بتوانند نظریه دبساز را در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد را اعمال نمایند.

زیرا با بررسی آرای صادره در پرونده های رسیدگی شده در مراجع مختلف میتوان به این موضوع پی برد که هسته اصلی قراردادهای تجاری بین المللی توافق طرفین میباشد و تا زمانی که این توافق مخالف نظم عمومی و قواعد آمره قانونی نباشد معتبر و محترم شمرده میگردد.

که به همین دلیل مرجع صالح پیش از ورود به ماهیت اختلاف ابتدا باید بررسی کند که آیا توافقی میان طرفین برای داوری که منجر به صلاحیت آن مرجع شده است، وجود دارد و در صورت

ضمانت اجرای رأی داور بود. با تغییر شرایط، اگرچه داوران ممکن است طرفین یا یکی از آنها را شناسند، اما اصول اخلاقی بیطرفی و استقلال که از صمیمت داور با طرفین در گذشته نشأت گرفته، همچنان

در داورى امروز حاکم است. داوران بینالمللی امروزه بیشتر تحت تأثیر مسائل اخلاقی، موقعیت علمی و

بینالمللی خود قرار دارند. در تجارت بینالمللی، داور باید ویژگیهایی داشته باشد که به نیازهای نهاد داورى پاسخ دهد و از نظر علمی و اخلاقی برجسته باشد. داوران برای کار خود اجرت میگیرند و احکام داورى را اجرا میکنند، اما تأثیر حق رأی و قدرت سیاسی حاکم بر استقلال و بیطرفی داوران در تجارت بینالمللی ناچیز است و به ندرت اعتراض میشود (کالورلی، ۱۹۶۴: ۱۹۸).

بند (الف) از ماده 1 قانون داورى تجارى بینالمللی (ق.د.ت.ب) داورى را بهعنوان روشی برای رفع اختلافات بین طرفین در خارج از دادگاه توسط شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مورد توافق طرفین یا منصوبشده

تعریف میکند (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۱۷). بند (الف) از ماده ۲ قانون نمونه بدون ارائه تعریف دقیقی از داورى بیان میکند منظور از داورى هر نوع داورى است، خواه توسط یک موسسه دائمی داورى اداره شود یا خیر. همچنین در قواعد داورى آنسیترال تعریفی از داورى دیده نمیشود.

تا پیش از تصویب قانون داورى تجارى بینالمللی (ق.د.ت.ب) در قوانین داخلی ایران نیز تعریفی از داورى ارائه نشده بود و نویسندگان حقوقی به تعریف یا بیان مفهوم داورى از مفاد مواد مربوط به داورى در قانون آیین دادرسی مدنی (ق.ا.د.م) پرداختهاند. این تعاریف، دیدگاه سیستم حقوقی ایران از داورى را نشان میدهد که میتواند با نظامهای حقوقی دیگر متفاوت باشد از این تعاریف میتوان به موارد زیر اشاره کرد: فصل خصومت توسط غیرقاضی (یا توسط یک یا چند نفر) و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی (یا نه بهصورت فصل خصومت توسط قضاوت دادگاههای رسمی) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

مفهوم ماهیت و مبانی داورى: ریشه داورى را باید در نبود دادگستری دولتی جستجو کرد. در ابتدا، داورى به عنوان تنها

یا تعیین مفاد شرط داورى و به تبع آن، تأثیر آن در تعیین قواعد و روش تفسیر شرط داورى است.

شرط داورى دارای ماهیتی قراردادی است و اصولاً فرض بر این است که طرفین با توافق و بر مبنای موافقتنامه داورى، «نهاد داورى» را به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات خود انتخاب کردهاند؛ اما ممکن است داورى به صورت اختیاری و بر مبنای توافق کامل طرفین نباشد و به صورت اجباری و بر اساس نظر قانونگذار بر اراده طرفین تحمیل شود. در این صورت، طرفین قرارداد ملزم به ارجاع اختلاف به مرجع داورى یا پذیرش شرط داورى هستند.

قانونگذار ایران طی سه دهه اخیر، قوانین متعددی را به تصویب رسانده که پذیرش شرط داورى یا ارجاع دعوا به داورى را الزامی کرده و میزان نقش یا تأثیر اراده در پذیرش شرط داورى با موانع و محدودیتهایی مواجه شده است. در برخی موارد، اراده طرفین در پذیرش و ارجاع دعوا به نهاد داورى نقشی ندارد و ماهیت قراردادی و ارادی داورى زایل میشود.

در چنین مواردی، داورى و لزوم مراجعه به مرجع داورى فاقد وصف و ماهیت قراردادی است و به تبع آن، روش تفسیر نیز متفاوت خواهد بود و داور نمیتواند از روش و ابزار تفسیر قراردادهای استفاده کند. اگر داور در تحلیل و تشخیص میزان نقش و تأثیر اراده طرفین در مرحله ارجاع دعوا به داورى یا تکوین شرط داورى و تشخیص روش و ابزار تفسیر مناسب دچار اشتباه شود، هدف نهایی از تفسیر محقق نخواهد شد.

### تعاریف مفاهیم:

معنای لغوی داور: واژه "داور" در اصل "دادور" است و به معنای حکم یا قضاوت میباشد. در لغتنامه دهخدا، "داورى" به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم آمده است (دهخدا، ۱۳۸۲: ۶۵). داور به معنای حاکم است که بین نیک و بد حکم میکند و شخصی که برای حل و فصل اختلافات بین دو یا چند نفر انتخاب میشود. همچنین، داورى به معنای قضاوت و انصاف در مورد نزاعها و کشمکشها است. جالب است بدانید که داور یکی از اسمهای خداوند تبارک و تعالی نیز هست و به معنای روز رسیدگی نیز آمده است.

معنای مصطلح داورى: در گذشته، داوران افرادی بودند که مورد اعتماد طرفین اختلاف قرار میگرفتند و این اعتماد

در ایران، بر خلاف کشورهای مدرن، موسسات حقوقی (دفاتر وکالت) و موسسات داورى جایگاه ویژه‌ای ندارند. همچنین به دلیل عدم فرهنگسازی و عدم فعالیت اساتید و متخصصان معتمد داورى در این موسسات، این نهادها نتوانسته‌اند نقش جدی در عرصه داورى ایفا کنند.

با توجه به آنچه ذکر شد و با عنایت به فواید داورى و نقش مثبت و سازنده آن به عنوان نهادی مترقی در حل اختلافات اشخاص و حتی دعاوى تجارى مهم بین‌المللی، آشنایی با جنبه‌های مختلف و ارکان و شرایط این تأسیس حقوقی و نحوه رسیدگی و اصول حاکم بر آن میتواند به انتخاب این شیوه در حل و فصل منازعات افراد کمک شایانی کند و از بار سنگینی که بر دوش دادگستری است بکاهد تا دادگاهها بتوانند با آسودگی بیشتری به امور مهم مرتبط به نظم عمومی بپردازند.

احساس عمومی نسبت به داورى و هیأت داوران به مراتب بهتر از قضاوت است. نقش قدرت و حکومت در نظام قضایی از مرحله وضع قانون، تعیین قاضی، عمل قضاوت، زمان و مکان قضاوت تا آداب و مراسم، فرجام، و شیوه فرجامخواهی همگی موجب شده است تا جریان قضاوت مطلوبیت خود را از دست دهد.

پذیرش داورى عموماً با رضایت همراه نیست و معایبی مانند ورود مستقیم افراد به تعیین تکلیف خود و احساس اراده و اختیار در حل مشکلات به همراه دارد (بولانژه، 1376: 55). رویکرد عمومی به داورى، مسأله‌های جدا از سلطه و قدرت بر داورى است. قدرت بر ورود به داورى در بحث از قلمرو پذیرش شخص در داورى است، زیرا امکان روی آوردن به آن در فرض رجوع شخصی فرد در جهت مسأله خاص است. اما رویکرد قدرت به داورى با ملاک مصلحت است و با این وجه ممتاز و برجسته است که در کل یا با مراجعه خاص به داورى متفاوت است.

در حال حاضر باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی (ماده 454 تا) 501، قانون حاکم در خصوص موضوع داورى داخلی است به موجب ماده 454 آیین دادرسی مدنی، کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوى را دارند، میتوانند منازعه و اختلاف خود را، اعم از اینکه در دادگاههای دادگستری طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای که باشد، به داورى یک یا چند نفر ارجاع کنند.

روش حل اختلاف قابل فهم بوده است. اگرچه مراجع قضایی دولتی تأمین شد و مراجعه به آنها به عنوان راه معمول حل اختلاف پذیرفته شد، داورى همچنان مورد استفاده قرار گرفت زیرا طرفین اختلاف ترجیح میدادند مسائل خود را با هزینه و تشریفات کمتر و سرعت بیشتر توسط افرادی که خود انتخاب کرده‌اند، حل کنند. این تمایل و نیاز به احترام به آن، منجر به تدوین مقررات داورى دقیق در نظامهای معتبر قضایی شد (مافی و تقی پور، 1390: 87).

این مکانیزم چیست و چرا وجود دارد؟ چگونه به وجود آمده و نتایج آن چگونه حاصل میشود؟ داورى در واقع

به عنوان یک سیستم خصوصی در کنار سیستم دولتی عمل میکند. داور در یک قضیه، قاضی خصوصی

منتخب طرفین است و به اختلافاتی رسیدگی میکند که جنبه خصوصی دارند و نظم عمومی را درگیر نمیکند. به عبارت دیگر، داورى جنبه خصوصی دارد، اما از سوی قوانین دولتی، تأیید و شناسایی میشود تا تأثیرات اجرایی داشته باشد. بنابراین رأی داورى الزام‌آور است و هم توافق طرفین و هم حمایت قانونگذار ضامن این مهم هستند. داور پایبند به آیین دادرسی مدنی نیست، اما رأی او باید مدلل و موجه باشد و این نیازمند رعایت یک شیوه قضایی است. داور در مرحله تشخیص حق از ناحق قرار دارد و از موازین حقوقی استفاده میکند. امروزه مسائل داورى بسیار پیچیده و تخصصی شده‌اند؛ مثلاً داورى در مسائل مالکیت معنوی با داورى در مسائل انرژی متفاوت است. تخصصی شدن مسائل تجاری و احساس برخورد مناسبتر در محاکم داورى از دلایل برتری انتخاب و پذیرش شرط داورى در قراردادهاست.

ماهیت داورى به دو گروه تقسیم میشود: 1- قضایی بودن آن 2- (Moghri, قراردادى بودن آن 46 (2015)

جایگاه و ماهیت داورى در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

جمهورى اسلامی ایران بر اساس ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسى مصوب 16 دسامبر 1966 (آذر) 1345 در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ 17 اردیبهشت 1354 به این سند پیوسته است طبق اصل 77 قانون اساسی و ماده 9 قانون مدنی، ماده 14 این میثاق به عنوان بخشی از حقوق ایران شناخته میشود.

موافقتنامه داوری، قانون برزیل است: طرفین بیمهنامه را مشمول قانون برزیل دانستهاند؛ قانون حاکم بر بیمهنامه، قانون برزیل است؛ ملیت طرفین، زبان و واحد پول قرارداد همه، برزیلیاند؛ محل وقوع ریسک، برزیل است و تنها مقر داوری انگلستان است. از سوی دیگر، سولمیریکا معتقد بود قانونی باید بر موافقتنامه داوری حاکم شود که نزدیکترین و واقعیت‌بین ارتباط را با آن دارد. هنگامیکه طرفین انگلستان را به‌عنوان مقر داوری انتخاب کردند، میدانستند که به‌رحال قانون داوری انگلستان بر پروسه داوری حاکم خواهد بود. این 1۹۹۶ موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً قصد داشتند این قانون بر همه ابعاد داوری حاکم باشد.

در این پرونده، ابتدا قاضی کوک جی قانون انگلستان را به عنوان قانون حاکم بر موافقتنامه داوری تعیین کرد، با وجود اینکه تمامی شواهد و فاکتورها حاکی از قانون برزیل بودند. او از فاکتور نزدیکترین ارتباط استفاده کرد. طبق این فاکتور، اگر انتخاب صریح یا ضمنی برای قانون حاکم از سوی طرفین وجود نداشته باشد، قانونی بر موافقتنامه داوری اعمال می‌گردد (که نزدیکترین ارتباط را با آن دارد 2017 al, et قاضی دادگاه تجدید نظر با پیروی از نظر دادگاه، Kerstetter). بدوی، تحلیلی پیچیده‌تر ارائه داد. او توضیح داد که قانونی که بیشترین ارتباط را دارد، لزوماً قانون مقر داوری نیست. برای تعیین قانون حاکم بر موافقتنامه داوری، باید سه مرحله طی شود:

آیا قانون حاکم بر موافقتنامه داوری صراحتاً توسط طرفین تعیین شده است؟ آیا طرفین به طور ضمنی در این خصوص توافق نداشته‌اند؟

قانونی که نزدیکترین و واقعیت‌بین ارتباط را با موافقتنامه داوری دارد، کدام است؟

مور بیک، قاضی دادگاه تجدید نظر، بیان کرد که اگر قانون برزیل (قانون حاکم بر بیمهنامه) را بر داوری حاکم کنیم موافقت بر داوری تنها با رضایت انسا معتبر خواهد بود، که این مخالف قصد اولیه طرفین در توافق بر داوری است. بنابراین بعید است که طرفین به صورت ضمنی توافق کرده باشند که قانون برزیل بر موافقتنامه داوری نیز حاکم شود. به تعبیر دادگاه، باید به مرحله سوم برویم و قانونی را بیابیم که نزدیکترین ارتباط را با داوری دارد. از آنجا که نهاد صالح به رسیدگی داوری و مقر آن (بیشتر از قانون حاکم بر بیمهنامه با داوری)

با توجه به ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، «متعاملین می‌توانند در ضمن معامله یا به موجب قرارداد علیحده، ملزّم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها، رفع اختلاف با داوری به عمل آید، و نیز می‌توانند داور یا داورهای خود را قبل از بروز اختلاف معین کنند» (شجاعی سیف آباد، 1۴02: 13۸).

رویه داوری و قضایی موجود در قوانین کشورهای مختلف

رویه داوری و قضایی و قوانین کشورهای مختلف نشان می‌دهد، که نظریه اعمال قانون با بیشترین ارتباط بر موافقتنامه داوری حمایت‌های زیادی دارد و همواره در رویه داوری و قضایی دنبال می‌شود. در رویه قضایی انگلستان، دو دیدگاه وجود دارد؛ یکی اینکه قانون حاکم بر موافقتنامه داوری را در صورت سکوت طرفین، همان قانون حاکم بر قرارداد اصلی میدانند، و دیگری که قانون مقر داوری را به‌عنوان قانون حاکم می‌شناسد. پرونده‌های جدیدتر بیشتر به دیدگاه دوم گرایش دارند. به‌عنوان Seguros, (Sulamerica 2012) مثال، در پرونده سولمیریکا دادگاه عالی انگلستان با وجود فاکتورهای de Nacional CIA که نشان می‌داد طرفین قانون برزیل را ترجیح می‌دهند، رای به قانون مقر داوری، یعنی قانون انگلستان، داد. این پرونده به توسعه و پیشرفت نظریه استقلال داوری از قرارداد کمک بسیاری کرده است. همچنین، این موضوع در پرونده هتلهای ابوجا

تکرار شد. در این (Abuja) Hotels, International (2012) پرونده، خواهان با استناد به نقض قرارداد اصلی توسط ابوجا داوری را در اتاق بازرگانی بین‌المللی آغاز کرد. در ابتدا، طرفین توافق کردند که قانون حاکم بر قرارداد، قانون نیجریه و مقر داوری، انگلستان باشد. قاضی پرونده بر این باور بود که چون مقر داوری انگلستان بود، قانون این کشور بیشترین ارتباط را با داوری دارد و در تعیین اعتبار موافقتنامه داوری که موضوع al, et (Chaplin) (اختلاف بود، ملاک خواهد بود 2012).

در پرونده سولمیریکا، شرکت انسا در دادگاههای برزیل دعوایی اقامه کرد تا آسیبهای فیزیکی و ضرر و زیانهای ناشی از آن را طبق بیمهنامه از سولمیریکا مطالبه کند. سولمیریکا با رد مسئولیت، بر اساس شرط داوری مندرج در بیمهنامه، پروسه داوری را آغاز کرد و در دادگاه انگلیس درخواست کرد که انسا از ادامه دعوای طرح شده در دادگاههای برزیل منع گردد. انسا با اشاره به فاکتورهای متعددی معتقد بود قانون حاکم بر

طرفین اعمال شود. در واقع، زمانی که رابطه تجاری طرفین دچار مشکل میشود، نیاز طرفین به داوری بیطرفانه افزایش مییابد؛ به نظر نمیرسد قانون حاکم بر قرارداد اصلی (قانون سنگاپور) بتواند این اختلاف را به طور بیطرفانه حل کند (Jonathan, al, et. در نتیجه، قانون حاکم بر قرارداد اصلی، در اولویت دوم قرار میگیرد و اولویت به قانون بیطرفانه مقرر داوری داده میشود. در واقع، هنگامی که طرفین قانون حاکم بر قرارداد اصلی را انتخاب کرده و مقرر دیگری برای داوری تعیین کردهاند، قصد نداشتهاند که قانون حاکم بر قرارداد اصلی را به شرط داوری تسری دهند (همان منبع).

(در پروندهای که بهتازگی در دادگاه عالی سنگاپور 2020 بررسی شده است، استدلالهای مشابهی دیده BNB, v. (BNA) میشود. قراردادی که میان طرفین منعقد شد و ناظر به فروش محصولات مشخصی از سوی یک شرکت کرایه‌ای به شرکتی چینی بود، شامل شرط حل و فصل اختلافات توسط مرکز داوری بینالمللی سنگاپور در شانگهای بود. با وقوع قصور در پرداخت توسط شرکت بی ان ای، دو شرکت بی ان بی و بی ان سی در سال 2016 پروسه داوری را آغاز کردند. شرکت بی ان ای اظهار داشت که قانون چین (قانون حاکم بر قرارداد اصلی) بر موافقتنامه داوری حاکم است و بر اساس این قانون، حل اختلافات داخلی که مقرر آنها در شانگهای است

در مرکز داوری خارجی چون سنگاپور است ممکن نیست و et. (Jiet, صلاحیت این مرکز مورد چالش است al, 2020)

دیوان داوری بیان کرد که شانگهای تنها محل داوری است و نه مقرر آن، و طرفین هرگز قانونی را بر موافقتنامه داوری خود اعمال نخواهند کرد که منجر به بیاعتباری آن شود. دادگاه عالی سنگاپور با استناد به پرونده بی سی وای علیه بی سی زد، فاکتور سه مرحله‌ای را توضیح داد و بیان کرد که انتخاب قانون چین به عنوان قانون

حاکم بر قرارداد اصلی، دلالتی بر اعمال این قانون بر موافقتنامه داوری ندارد. انتخاب مرکز داوری سنگاپور به منزله تعیین سنگاپور به عنوان مقرر داوری است؛ زیرا طبق ماده 1.18.1 قواعد، در نبود انتخاب صریح طرفین، سنگاپور مقرر داوری است. همچنین، قاضی بر اعمال قانون سنگاپور بر موافقتنامه

مرتبط است، این قانون بر موافقتنامه داوری حاکم خواهد بود (Delaney, al, et. 2012)

پرونده شرکت سرمایه‌گذاری فرست لینک و شرکت جی تی از پروندههای مهم در حوزه تعیین (FirstLink, al, et 2014) قانون حاکم بر موافقتنامه داوری است. در این پرونده، خواهان یک شرکت دولتی در سنگاپور

بود و دعوا شامل سه خواننده بود؛ خواننده اول شرکتی خصوصی با فعالیت در حوزه پرداختهای آنلاین

بینالمللی، خواننده دوم شرکتی در حوزه خدمات نرم‌افزاری، و خواننده سوم مالک اصلی دو شرکت اول بود. قانون حاکم بر قرارداد اصلی، قانون سنگاپور بود و موافقتنامه داوری تنها به قواعد داوری سوئد اشاره داشت. خواهان با استناد به بیاعتباری شرط داوری مندرج در قرارداد، اقدام به اقامه دعوا در دادگاههای سنگاپور نمود و خواننده اول به استناد شرط داوری مندرج در قرارداد، تقاضای توقف رسیدگی را کرد، زیرا معتقد بود که با وجود موافقتنامه داوری و اشاره به مرکز داوری اتاق بازرگانی استکهلم، توسل به دادگاه فاقد وجاهت قانونی است. خواهان معتقد بود که این موافقتنامه فاقد اعتبار است و نمیتوان به آن توسل کرد، زیرا قانون حاکم بر

قرارداد اصلی، قانون سنگاپور است. قواعد داوری اتاق بازرگانی استکهلم تنها بر پروسه داوری حاکماند و

نمیتوانند بر داوری مندرج در قرارداد حاکم باشند و فقط در استکهلم قابل اعمالاند.

در نهایت، دادگاه عالی سنگاپور با این استدلال که طرفین، مقرر داوری را سوئد تعیین کردهاند، قانون حاکم بر شرط داوری را قانون سوئد تشخیص داد، زیرا این باعث انسجام و یکپارچگی بیشتری بین قانون مقرر (قانون حاکم بر پروسه و مسائل شکلی پرونده) و قانون حاکم بر موافقتنامه داوری (قانون حاکم بر اعتبار و تفسیر موافقتنامه داوری) میشود.

این تعبیر دادگاه بر اساس اصل استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی بود. دلیل آن این است که توافق طرفین بر داوری تنها زمانی مورد بررسی قرار میگیرد که اختلافی در رابطه ماهوی میان طرفین رخ دهد. بنابراین، هیچ قاعده کلی وجود ندارد که قانون حاکم بر رابطه ماهوی باید بر رابطه داوری میان

عدم انتخاب قانون توسط طرفین، طبق قانون محلی که رأی در آن ایجاد شده است؛ یعنی قانون محل، تعیین میشود. در بسیاری از موارد، دادگاهها به استناد این مقرر، قانونی را که طرفین برای امور شکلی انتخاب کردهاند، به عنوان انتخاب ضمنی قانون ماهوی حاکم بر موافقتنامه داوری تلقی میکنند و این همان قانون محل داوری است. این موضوع در رویه دادگاههای اروپا (al, et (Telenor, (و آمریکا به وفور مشاهده میشود 2017

باید گفت حتی مواردی وجود دارد که دادگاه بدون بررسی این که آیا طرفین صراحتاً یا ضمنی قانونی برای موافقتنامه داوری انتخاب کردهاند یا نه، به اعمال قانون محل داوری میپردازند متن کنوانسیون در تبیین این که (al, et Pap-KG, (A. (2019 منظور از "محلی که رأی در آن ایجاد شده است" سکوت کرده است. طبق سند راهنمای این کنوانسیون، دادگاهها به جز یک استثنا، همگی محل داوری را به عنوان محلی که رأی در

آن ایجاد شده است، تفسیر میکنند. در پرونده مذکور، دادگاه انگلستان این محل را به عنوان محلی که رأی در آن امضا شده است و نه محل داوری که طرفین بر آن توافق کردهاند، تفسیر کرد. همانطور که گفتیم، تنها در این پرونده بود که دادگاه به حاکمیت قانون محل دیگری رأی داد و خلاف این موضوع در (al, et AG, F v. (K. (پروندههای بسیاری اثبات شد 2017 عنوان مثال، در پرونده دالاه، دادگاه عالی انگلستان به حاکمیت قانون فرانسه؛ قانون محل داوری بر موافقتنامه داوری رأی داد

علاوه بر این، این موضوع در قواعد مؤسسات داوری مختلف نیز آمده است. به عنوان مثال، بند 3 از ماده 32 قواعد داوری اتاق بازرگانی بینالمللی 2017 نشاندهنده این است که رأی در محل داوری ایجاد میشود. این موضوع در بند 9 از ماده 99 قانون نمونه آنسیترال 2006 و بخش 59 ام از قانون داوری انگلستان نیز آمده است. طبق این قانون، اگر محل داوری 1996 انگلستان، ولز یا ایرلند شمالی باشد، فارغ از این که رأی کجا امضا شده و یا به طرفین ابلاغ شده است، اینگونه تلقی میشود قانون نمونه (a) (i) که رأی در محل صادر شده است. ماده 36 آنسیترال 2006 نیز مقررات مشابه ماده 5 کنوانسیون نیویورک در این زمینه دارد. به این صورت که در نبود قانون حاکم بر موافقتنامه داوری، قانون کشوری که رأی در آن ایجاد شده؛ یعنی قانون محل اعمال میشود. بنابراین، به عقیده این گروه صرف این که قانون حاکم بر داوری مشخص نیست، دلیل نمیشود که قانون قرارداد اصلی را همان قانونی بدانیم که طرفین

داوری به جای قانون چین رأی داد. دادگاه تجدید نظر، ضمن رد رأی دادگاه عالی مبنی بر مقر بودن سنگاپور، قانون چین را بر موافقتنامه داوری حاکم کرد؛ نه به این دلیل که این قانون بر قرارداد اصلی حاکم است، بلکه به این دلیل که شانگهای مقر داوری است و قانون مقر در فرض سکوت بر موافقتنامه داوری حاکم خواهد بود. همچنین، این دادگاه در خصوص صلاحیت داشتن دیوان داوری سنگاپور، نظر نداد و موضوع را به دادگاههای چین واگذار کرد؛ چرا که سنگاپور مقر داوری نبوده و هرگونه اظهار نظر دادگاههای این کشور در این خصوص فاقد وجاهت قانونی خواهد بود

در حقوق سوئد، اگر طرفین قانون خاصی برای موافقتنامه داوری مشخص نکرده باشند، قانون محل داوری بر آن حاکم است. بر اساس ماده 48 قانون داوری سوئد، قانون کشوری که به استناد موافقتنامه "در آن داوری انجام میشود، بر موافقتنامه" داوری حاکم خواهد بود. بنابراین، چه سوئد توسط طرفین به عنوان محل داوری انتخاب شده باشد و چه دیوان داوری در صورت عدم انتخاب محل داوری توسط طرفین، سوئد را به عنوان محل داوری تعیین کند، قانون این کشور بر موافقتنامه عبارت (al, et (Swartling, (داوری حاکم خواهد بود 2019 به استناد موافقتنامه "در این ماده میتواند به این صورت تفسیر" شود که محل داوری حتماً باید در موافقتنامه داوری ذکر شده باشد. این تفسیری است که بسیاری از مفسران آن را پذیرفتهاند با این حال، متن قانون سوئد (که قبل، al, et (Brockner, (2013 از این مقررات تصویب شده) در این زمینه تفاوت دارد. طبق این قانون، انتخاب محل داوری توسط طرفین ممکن است نشاندهنده این باشد که آنها قصد داشتهاند قانون محل داوری بر موافقتنامه داوری حاکم باشد. همچنین، در این قانون آمده است که اگر طرفین از دیوان داوری بخواهند که محل داوری را تعیین کند، باز هم قانون محل داوری بر موافقتنامه داوری اعمال میشود. تفاوت در عبارات در این دو قانون منجر به بروز ابهاماتی در این زمینه شده است. این ابهامات زمانی بیشتر میشود که اختلاف توسط داورانی حل و فصل شود که از حقوق سوئد و قانون مذکور اطلاع ندارند

شاید بهتر باشد عبارت "به استناد موافقتنامه" از قانون داوری سوئد حذف شود؛ زیرا هیچ الزامی وجود ندارد که محل داوری (1) (a) توسط طرفین در قرارداد ذکر شود. همچنین در ماده 5 کنوانسیون نیویورک درباره شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی نیز آمده است که اعتبار موافقتنامه داوری در صورت

نقاط قوت و ضعف سیستم حقوقی ایران: در ایران، موسسات داورى و دفاتر وکالت نقش جدی در عرصه داورى ندارند که به دلایل مختلف از جمله عدم فرهنگسازى و کمبود فعالیت اساتید، و متخصصان معتمد داورى در این موسسات است. یا این حال قانونگذار ایران طی سه دهه اخیر قوانین متعددی را به تصویب رسانده که پذیرش شرط داورى یا ارجاع دعوا به داورى را الزامی کرده است. این تلاشها نشاندهنده اهمیت داورى در حقوق ایران است، اما همچنان نیاز به بهبود و توسعه بیشتر وجود دارد.

پیشنهادات برای بهبود وضعیت موجود

برای حل چالشهای مرتبط با انتخاب قانون حاکم بر قرارداد بدون تعیین مرجع حل اختلاف، پیشنهاد میشود: توسعه قوانین داخلی ایجاد قوانین جامع و کاربردی که به صراحت تعیین کنند در صورت عدم توافق طرفین، کدام قانون بر قرارداد و موافقتنامه داورى حاکم خواهد بود.

ترویج فرهنگ داورى: افزایش آگاهی عمومی و تشویق به استفاده از داورى به عنوان روشی موثر در حل اختلافات.

آموزش و تربیت داوران: افزایش فعالیتهای آموزشی و تخصصی برای تربیت داوران معتمد و متخصص.

استفاده از استانداردهای بینالمللی: استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر و تطبیق استانداردهای بینالمللی با نظام حقوقی ایران.

در نهایت، انتخاب قانون حاکم بر قرارداد بدون تعیین مرجع حل اختلاف در حقوق ایران، موضوعی پیچیده و حساس است که نیاز به توجه و دقت ویژه دارد. با توجه به مباحث مطرحشده در این مقاله و ارائه پیشنهادات کاربردی، میتوان به بهبود وضعیت فعلی و حل چالشهای مرتبط با این موضوع کمک شایانی کرد. امیدواریم که این مطالعه بتواند زمینههای برای تحقیقات بیشتر و تدوین قوانین بهتر در این حوزه فراهم آورد. پیشنهادها برای محققان آتی

برای ارتقاء درک و بهبود وضعیت انتخاب قانون حاکم بر قرارداد بدون تعیین مرجع حل اختلاف در حقوق ایران، میتوان تحقیقات آتی را در زمینههای زیر انجام داد:

،خواستنهاند بر قرارداد داورى نیز حاکم باشد (اسکینی، ربیعا، 1368).

## نتیجه گیری

با توجه به بررسیهای انجامشده در این مقاله، انتخاب قانون حاکم بر قرارداد بدون تعیین مرجع حل اختلاف در حقوق ایران یکی از چالشهای اساسی در تنظیم قراردادهای تجاری و بین المللی است. این موضوع نه تنها پیچیدگی های حقوقی بسیاری را به همراه دارد، بلکه در صورت بروز اختلاف، میتواند به مشکلات جدی منجر شود. در ادامه، نکات اصلی و یافتههای مهم این مطالعه ارائه میشود.

ضرورت انتخاب قانون حاکم: انتخاب قانون حاکم بر قرارداد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا قوانین مختلف میتوانند تأثیرات متفاوتی بر تفسیر و اجرای قراردادها داشته باشند. در صورت عدم انتخاب قانون حاکم، احتمال بروز اختلافات و تعارضات حقوقی افزایش مییابد که میتواند باعث تأخیر در حل و فصل مسائل و افزایش هزینهها شود.

تعیین قانون حاکم در صورت سکوت طرفین: در بسیاری از موارد، طرفین قرارداد به دلایل مختلف قانون حاکم را تعیین نمیکند. در این صورت، رویه های مختلف حقوقی برای تعیین قانون حاکم وجود دارد. در حقوق ایران، ماده 698 قانون مدنی به عنوان قاعدهای برای حل تعارضات در قراردادها مشخص میکند که تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است. با این حال، تفسیرهای مختلفی از این ماده وجود دارد و ممکن است منجر به نتایج مختلفی شود.

نظریه های مختلف در تعیین قانون حاکم: بررسی رویه داورى و قضایی کشورهای مختلف نشان میدهد که نظریه اعمال قانون با بیشترین ارتباط بر موافقتنامه داورى، حمایتهای زیادی دارد. برخی کشورها از قانون مقر داورى به عنوان قانون حاکم استفاده میکنند، در حالی که برخی دیگر قانون حاکم بر قرارداد اصلی را به

عنوان قانون حاکم بر داورى نیز در نظر میگیرند. مطالعه پروندههای قضایی مختلف نشاندهنده اهمیت تحلیل دقیق و جامع در تعیین قانون حاکم است.

برای بهبود وضعیت فعلی ارائه دهند. با انجام این تحقیقات میتوان امیدوار بود که نظام حقوقی ایران در زمینه داوری و حل اختلافات قراردادی به سطح بالاتری از کارایی و انصاف دست یابد.

### نقد و پیشنهادات برای نظام حقوقی ایران

نقد نظام حقوقی ایران در انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی بدون تعیین مرجع حل اختلاف

در نظام حقوقی ایران، همچنان اصلی‌ترین چالش به دوگانگی میان قواعد داخلی (ماده ۹۶۸ قانون مدنی) و قواعد داوری (ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی) بازمی‌گردد. از یک سو ۲۷ رویکرد سنتی دادگاه‌های ایرانی در تفکیک حوزه شمول آزادی اراده و محدود کردن این آزادی برای اتباع ایرانی (بر اساس ظاهر ماده ۹۶۸ و تفسیر غالب از امری بودن آن) منعکس‌کننده نوعی محافظه‌کاری حقوقی است که موجب محرومیت تجار و فعالان اقتصادی ایرانی از مزایای عرفی تجارت بین‌الملل شده است. این امر عملاً سبب شده قضاات در مواجهه با قراردادهایی که فاقد تعیین مرجع حل اختلاف‌اند، قائل به اعمال قانون ایران شوند و انتخاب قانون خارجی را معتبر ندانند. این نگاه، با اصل آزادی قراردادهای «اعتماد متقابل» نظام تجارت بین‌الملل در تضاد است و از جذابیت ایران برای معامله‌گران خارجی به شدت می‌کاهد.

در مقابل، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با اقتباس از قانون نمونه آنسیترال امکان انتخاب گسترده قانون و حتی اصول و قواعد کلی حقوقی به‌عنوان قانون حاکم را پذیرفته است، اما عملاً اثر آن محدود به موارد داوری بوده و دادگاه‌ها در پرونده‌های غیر داوری همچنان به تفسیر مضیق ماده ۹۶۸ تمسک می‌جویند. همچنین، نظام داوری ایران هنوز از نهادسازی حرفه‌ای (اتاق داوری مستقل، تربیت داور، بانک جامع رویه‌ها و...) فرهنگ‌سازی عمومی فاصله دارد و همین سبب بی‌رونی ارجاع اختلاف‌ها به داوری واقعی شده است. قواعد سلیقه‌ای، کمبود شفافیت و ابهام در اختیار دادگاه‌ها، و نیز عدم پیوستن به کنوانسیون‌های کلیدی نظیر «کنوانسیون لاهه

تأثیر فرهنگ حقوقی بر داوری: بررسی تأثیر فرهنگ حقوقی و اجتماعی ایران بر پذیرش و اجرای داوری به عنوان یک روش موثر حل اختلافات. این مطالعه میتواند شامل تجزیه و تحلیل نگرشهای مردم، وکلا و قضاات نسبت به داوری باشد.

مقایسه تطبیقی قوانین داخلی و داوری: انجام مقایسه تطبیقی بین قوانین داخلی و داوری ایران و کشورهای پیشرو در این زمینه. با تمرکز بر انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای و شرط داوری این تحقیق میتواند نقاط قوت و ضعف سیستم حقوقی ایران را شناسایی و پیشنهادات بهبود ارائه دهد.

تأثیرات اقتصادی داوری: بررسی تأثیرات اقتصادی استفاده از داوری بر تجارت بین‌المللی و داخلی ایران. این مطالعه میتواند نشان دهد که چگونه داوری میتواند هزینه‌ها و زمان حل اختلافات را کاهش دهد و به بهبود محیط کسب و کار کمک کند.

تحلیل پرونده‌های داوری داخلی و بین‌المللی: تحلیل پرونده‌های داوری داخلی و بین‌المللی که در ایران و سایر کشورها مطرح شده‌اند، با هدف شناسایی الگوها و رویه‌های قضایی مرتبط با انتخاب قانون حاکم. این تحقیق میتواند به تدوین بهترین شیوه‌ها و استانداردهای داوری کمک کند.

نقش آموزش و تربیت داوران: بررسی نقش آموزش و تربیت داوران در بهبود کیفیت داوری و افزایش اعتماد عمومی به این روش حل اختلاف. این تحقیق میتواند شامل ارزیابی برنامه‌های آموزشی موجود و پیشنهادات برای بهبود آنها باشد.

توسعه قوانین داخلی: انجام تحقیقاتی برای تدوین قوانین داخلی جامع‌تر و کارآمدتر در زمینه داوری و انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای. این مطالعه میتواند به شناسایی نقاط ضعف قوانین فعلی و ارائه پیشنهادات برای تغییرات قانونی بپردازد.

تأثیرات حقوقی و اجتماعی داوری الکترونیکی: با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی، بررسی تأثیرات حقوقی و اجتماعی داوری الکترونیکی و امکان استفاده از فناوریهای نوین در فرآیند داوری. این تحقیق میتواند نشان دهد که چگونه فناوری میتواند به بهبود دسترسی به عدالت و افزایش کارایی داوری کمک کند.

این تحقیقات میتوانند به تعمیق فهم ما از موضوعات مرتبط با داوری و انتخاب قانون حاکم کمک کنند و راهکارهایی عملی

و پرونده Sulamérica قانون و مرجع حل اختلاف، رویه نشان می‌دهد که دادگاه‌ها غالباً اصل ارتباط نزدیکتر Dallah را ملاک عمل قرار داده و معمولاً (Closest Connection) قانون مقر دآوری ملاک عمل بوده است. دادگاه تجدیدنظر نظر داده که شرط دآوری مستقل Dallah انگلستان در پرونده از قرارداد اصلی تفسیر می‌شود و مقر دآوری نقشی محوری در تعیین قانون حاکم ایفا می‌کند. با این حال استثناهایی نیز وجود داشته است

سوئد: رویه قضایی سوئد به ویژه براساس ماده ۴۸ قانون ۲۰۰۲ دآوری، اولویت را به قانون محل دآوری می‌دهد، حتی اگر طرفین قانون دیگری را برای قرارداد اصلی انتخاب کرده باشند. رویه دادگاه عالی این کشور نشان می‌دهد در نبود توافق مقر دآوری نقش تعیین‌کننده دارد اما همچنان اصل استقلال شرط دآوری رعایت می‌شود و گاه تفاوت رویه میان محاکم دیده می‌شود

[2020] C v D و BNA v BNB سنگاپور: پرونده‌های ۳ نشان می‌دهند که دادگاه‌های سنگاپور نیز معمولاً قانون SGCA محل دآوری یا قانون مرتبطترین ارتباط را ملاک قرار می‌دهند. دادگاه عالی سنگاپور در این پرونده‌ها ضمن تأکید بر استقلال شرط دآوری، به اصل ارتباط نزدیکتر و اهداف طرفین توجه ویژه‌ای داشته است

### نقد و آسیب‌شناسی نظام حقوقی ایران و پیشنهادات اصلاحی

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظام حقوقی ایران، همچنان نگاه سنتی و محافظه‌کارانه به آزادی اراده طرفین در قراردادهای بین‌المللی است. مواد قانونی مربوط، به‌ویژه ماده ۹۶۸ قانون مدنی با نگاهی حمایت‌گرایانه در شرایط تاریخی خاص تدوین شده و با واقعیات عصر حاضر هم‌سویی ندارد. این امر موجب شده تعارض آشکار میان ماده ۹۶۸ قانون مدنی با ماده ۲۷ قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران هم از نظر نظری و هم عملی همچنان باقی بماند. رویه دادگاه‌های ایران اغلب به ضرر طرفین خارجی و کاهش اعتماد بین‌المللی عمل کرده است.

کمبود آموزش، ضعف نهادهای دآوری، فقدان بانک اطلاعاتی رویه قضایی و پراکندگی برداشت‌ها، موجب سردرگمی فعالان اقتصادی و حقوقی است. به‌رغم گیری اندک از الگوهای بین‌المللی

انتخاب قانون حاکم ۲۰۱۵»)، نقاط ضعف عمده دیگر نظام فعلی است.

### پیشنهادهای راهبردی

- اصلاح ماده ۹۶۸ قانون مدنی و پذیرش صریح امکان انتخاب قانون حاکم برای کلیه متعاملین، اعم از ایرانی و غیرایرانی. (هماهنگ با استانداردهای جدید تجارت بین‌الملل)
- توسعه و ترویج دآوری مؤسسه‌ای و ارتقای فرهنگ ارجاع دعاوی به دآوری از طریق آموزش و حمایت‌های قانونی برای وکلای و پیوستن جدی و فعال به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با انتخاب قانون و همچنین قواعد پذیرفته‌شده دآوری (مانند کنوانسیون لاهه ۲۰۱۵ و ایجاد سازوکارهای ضمانت اجرا افزایش شفافیت و وحدت رویه در آرای دادگاه‌های داخلی)
- در باره اعمال قراردادهای فاقد تعیین مرجع حل اختلاف، با صدور بخشنامه قضایی و آرای وحدت رویه ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از آرای دآوری و قضایی داخلی
- و بین‌المللی جهت استناد و آموزش فعالان حقوقی کشور تربیت حرفه‌ای داوران، برگزاری کارگاه‌های تخصصی و حمایت از موسسات دآوری مستقل و توسعه رویکردهای نوین
- مانند دآوری آنلاین
- گنجاندن دروس تخصصی دآوری و حقوق تطبیقی در برنامه آموزشی دانشکده‌های حقوق

با اجرای اقدامات فوق، ایران می‌تواند به یک نظام پیشرو و هماهنگ با استانداردهای جهانی در زمینه انتخاب قانون حاکم و حل‌وفصل اختلافات تجاری بین‌المللی تبدیل شود

### تحلیل تطبیقی: رویکرد نظام‌های حقوقی منتخب

در این بخش برای هر کشور مورد مطالعه، با استفاده از نمونه پرونده‌ها و تحلیل تطبیقی قانون، به نقاط افتراق، اشتراک و رویکرد دادگاه‌ها درباره انتخاب قانون حاکم هنگام فقدان مرجع حل اختلاف پرداخته می‌شود

انگلستان: در نظام حقوقی انگلستان، اصل آزادی اراده طرفین ۱. همواره محترم شمرده شده است، اما در نبود انتخاب صریح

نجدعلی الماسی، و هادی شعبانی کندسری. 1396 «بررسی تطبیقی محدودیتهای طرفین قرارداد در انتخاب قانون.

مجید غمامی، علیاصغر صانعیان مجله حقوقی شماره 110 تابستان 1399 اعتبار قرارداد انتخاب دادگاه در حقوق بینالملل خصوصی و تأثیر آن در (شناسایی و اجرای آراء خارجی 1

اعلانی فرد، محمدعلی (1394)، حقوق تجارت بین الملل، تهران: انتشارات جاودانه. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، 1388، تهران

شجاعی سیف آباد، مریم، 1402، بررسی اصول دادرسی منصفانه در داورى «در حقوق ایران و اسناد بین المللی. کریمی، سحر» مطالعات حقوق تطبیقی (بهار و تابستان 1399، دوره یازدهم - شماره 1 بررسی نظریه تقطیع (دبساژ در قراردادهای تجاری بینالمللی؛ با نگاه تطبیقی به حقوق امریکا و اتحادیه اروپا

رضا مقصدی - فیروز سکوتی مجله حقوقی بینالمللی / شماره 72 / زمستان صفحات 176-181 (انتخاب قانون نامتعارف به عنوان قانون حاکم بر / 1402 صفحات) قرارداد در قواعد حل تعارض

خدابخشی، عبدالله، حقوق داورى و دعاوى مربوط به آن در رویه قضایی شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، 1392، تهران

دهخدا، علیاکبر). 1382 (لغتنامه دهخدا

مافی، همایون، تقی پور درزی نقیبی). 1390 (آثار حاکم بر ضمانت نامه های بانکی. فقه و تاریخ تمدن، 2(2)

29-64.

منابع انگلیسی

Brocker, Stefen, Danielsson, Christer, International Arbitration in Sweden: A Practitioner's Guide, Kluwer Law International, 2013.

Chaplin, Jacqueline, Hold on to your Seats! A Settled Test for the Proper Law of Arbitration Clauses?, Kluwer Arbitration Blog, 2012.

Delaney, Joachim, Law Governing Arbitration Has Closest Connection to Law of the Seat, New Zealand International Arbitration Centre, 2012.

Jiet, Chia Voon, Case Update: Court of Appeal Determines Proper Law of Arbitration Agreement, Drew & Napier LLC, Singapore, 2020.

(و کنوانسیون نیویورک UNCITRAL مانند مقررات) موفق موجب شده ظرفیت داورى و حل اختلاف جایگاه شایسته‌ای در اقتصاد. ایران نیاید

### \*\*پیشنهادات\*

اصلاح و بروزرسانی ماده 968 قانون مدنی و پذیرش صریح - آزادی اراده طرفین ایرانی؛ توسعه قانون داورى تجارى بین‌المللى و شمول آن به - قراردادهای داخلی؛ ترویج فرهنگ داورى، آموزش، تربیت داوران متخصص و - ایجاد مراکز داورى مستقل؛ پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی معاصر در حوزه داورى - و انتخاب قانون؛ الزام به شفاف‌سازی رویه قضایی و ارائه مشوق‌های حقوقی - جهت استفاده از داورى؛ گنجاندن ابزار تحقیق، فناوری و فرایندهای الکترونیک برای - کاهش زمان و هزینه‌ها؛ تطبیق کامل با استانداردهای بین‌المللی جهت تشویق - سرمایه‌گذاری و رفع ریسک حقوقی قراردادهای تجارى.

افزایش تعامل و همسویی با رویه بین‌المللی و پرکردن خلأهای قانونی، راه را برای ارتقاء امنیت حقوقی و اقتصادی کشور هموار می‌کند.

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.  
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

Jonathan Hill, The law governing an arbitration clause, University of Bristol Law School Blog, 2017.

Kerstetter, Kristopher, Which Law Governs the Arbitration Agreement?, An Analysis of Sulamérica CIA Nacional de Seguros S.A. and others v. Enesa Engenharia S.A. and others, , Mark Humphries Legal, 2017.

Swartling, Manheimer, Concise Guide to Arbitration in Sweden, 2nd Edition, Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce, 2019.

Telenor Mobile Communications AS v. Storm LLC, District Court, Southern District of New York, United States of America, 2017.

Moghri, A., Sadeghnia, M., & Salehi, M. (2015). Interreligious Dialogue and the Problem of. Comparative Theology, 6(13), 89-104.

Allen, William H & Erin A O'Hara (1999), "Generation Law and Economics of

پروندههای قضایی:

Sulamérica, C. I. A. (2012). Nacional de Seguros SA v. Enesa Engenharia SA [2012] EWCA Civ, 638.

Nwosu, B. (2016). A review of the hotel industry in Nigeria: size, structure and issues. Worldwide Hospitality and Tourism Themes, 8(2), 117-133.

Cap, M. (2014). The Firstlink Case: Implied Governing Law of the Arbitration Agreement Is That of the Seat of Arbitration. Asian Disp. Rev., 16, 202.

Yoong, A. (2021). Of principle, practicality, and precedents: the presumption of the arbitration agreement's governing law. Arbitration International, 37(3), 653-665.